تقدم شروع تقویم از دحو الارض

(45:29)

فقط این می ماند که دحو الارض که بیست و پنج ذی القعده است! وقتی شمس وسط سماء بود، اول ماه بود. یعنی روز اول غروب ماه دیده می شد. آن هم به صورت هلال. دحو الارض که بیست و پنجم ذی القعده است. بیست و پنجم ذی القعده که آخر ماه است؟ ممکن است که شروع تقویم از قبل بوده، دحو الارض به عنوان یک حادثه با یک فاصله زمانی بعدش بوده باشد. اصل شروع سر درآوردن و دحو، بیست و پنجم ماه بوده باشد.

شاگرد: ارض یعنی همان خاک؟

استاد: بله.

شاگرد: یعنی چه که اصلش آن موقع بوده؟

استاد: کره ارض یک چیز است... .

شاگرد: منظورتان از کره ارض، همه چیز آن با آب و ... است؟

استاد: نه، اول در یک شرائطی، طالع الدنیای که حضرت طبق بیان اهل فن می فرمایند، خورشید در وسط آسمان بود. ولی هنوز دحو الارض نشده بود. با یک فاصله زمانی شد. یعنی طالع الدنیا را زمانا و دهرا قبل از دحو الارض بردیم.

شاگرد۲: کره زمین را آب فراگرفته بود و شمس در وسط آسمان بود.

استاد: بله. چرا این را عرض می کنم؟ به خاطر این که حضرت می خواهند بفرمایند «انّ‌ّالنهار قبل اللیل». اگر شما به بیست و پنجم ذی القعده بروید که بیست و پنج روز گذشته است و شب و روز پشت سر هم آمده است. از این که مقصود حضرت اثبات این است که «انّ‌ّالنهار قبل اللیل» می فهمیم حتما این «طالع الدنیا»ای که حضرت مطرح کرده اند قبل از دحو الارض بوده. چون دحو الارض بیست و پنجم ذی القعده ای است که باید این مدت از ماه بگذرد. پس قبلش شب و روزی داشتیم. و الا چطور بیست و پنجم ذی القعده شده؟!

شاگرد: هنوز که دحو الارض نشده، چطور طالع الدنیا را قرار می دهند؟ بیست و پنج روز بعدش دحو الارض می شود.

استاد: مانعی ندارد. یعنی وقتی بوده که شرائط حیات فراهم بوده است. به یک میزانی که منجمین می گویند. چون من علم نجوم احکامی نخوانده ام نمی دانم که چرا منجمین می گفتند «ان طالع الدنیا السرطان»؟ حضرت از مقبول نزد آن ها شروع کردند. خب چرا «طالع الدنیا السرطان» است؟ آن ها مبانی دارند. لذا آغازی برای کار می شود.

شاگرد۲: قبل طالع الدنیا را همان دحو الارض گذاشته بودید. می گفتیم شروع دنیا یعنی چه؟ می فرمودید زمانی که دحو الارض بود. الان یک چیز دیگری شد؟

استاد: نه، حادثه دحو الارض غیر از نصف النهار دحو الارض است. من می گویم این حدیث که از بیرون می دانیم کعبه و دحو الارض است؛ حضرت فرمودند شمس در «وسط السماء» بوده .

شاگرد۲: از کجا این را به دحوالارض ارتباط می دهید؟ چون می گوید «حسابک»، «قد علمتک». شاید نیم روز سیستان را می‌گرفتند که وسط السماء هم بوده است. اگر بیست و پنج ذی القعده و اول ماه را تصویر کنید، ادنی ارتباطی به نصف النهار دحو الارض و واقعه دحو الارض ندارد. این را از کجا به نصف النهار دحو الارض ربط می دهید؟ اگر قرار است روی حساب نجوم احکامی و مفروضات آن ها باشد، ما نمی دانیم آن ها اصل نظر به مکه داشته اند یا نه.

استاد: روایات متعددی آورده اند که کعبه وسط الارض است. قرینه منفصله ای است برای اینکه وسط است.

شاگرد: خود منجّمین این را قبول داشتند؟

استاد: این را نمی دانم. علی ای حال فرمایش حضرت زمانی بود که این روایات از قبل و بعدش در السنه بود که کعبه وسط الارض است. این ها در السنه بود. متعدد هم هست. یکی-دو تا نیست. آقایانی که زحمت کشیده اند در یک صفحه فدکیه همه این ها را آورده اند. خب بنابراین با این قرینه عرض می کنم؛ آن ها می گفتند وسط الارض سجزی و سیستان است. خب از حیث وسط الارض بودن با این روایات متعارض می شوند. خب اگر این روایات را قرینه برای روایت قرار بدهیم، دحو الارض می شود.

شاگرد: حضرت می فرمایند می خواهید روی حساب شما بگویم یا از کتاب بگویم؟ روی حساب شما قضیه این است. یعنی روی حساب شما مکه وسط زمین است؟

استاد: نه، روی حساب شما طالع الدنیا السرطان.

شاگرد: «و الشمس فی وسط السماء».

استاد: آن لازمه اش است. مهم طالع است. یعنی از نظر فنی وسط شمس متفرع است. شروع کلام که همه چیز بر آن متفرع می شود این است که «طالع الدنیا السرطان». طالع سرطان می شود.

شاگرد: آن ها مکه را وسط می گذاشتند و بعد طالع را حساب می کردند؟

استاد: در روایت نیست.

شاگرد: در روایت نیست بلکه جای دیگری هم نیست که منجمین طالع را بر اساس نقطه مکه حساب می کردند. این را از کجا می گوییم. چون قرار است روی حساب منجمین حرف بزنند.

استاد: در این که منجمین قرار نمی دادند، ما دلیلی نداریم. این ها نقلیاتي است. می دانید زیجات و کتب قدیمی که بوده، هر کدام برای خودشان یک اعتباراتی داشتند. مثلا محاسبه کرده بودند که وسط قبة الارض سیستان است. روی چه محاسباتی؟ خدمتتان عرض کردم؛ الان که با GPS امروزی می خواستند سامان دهی کنند، کهمیدند خود گرینویچ با این همه دقت هایی که به خرج دادند، دویست متر تفاوت دارد. ولذا این که منجمین چه می گفتند نمی دانم. یک نرم افزار خیلی خوبی هست که حدود صدتا کتاب نجومی دارد؛ نرم افزار نجوم اسلامی. می توان در آن جست و جوی حسابی

کنیم و ببینیم در کتب قدیمی اقوال منجمین راجع به این چه بوده است. اوال چرا می گفتند «طالع الدنیا السرطان»؟، بعد فرمایش شما را ببینیم که آیا بین آن ها یک چیز جا افتاده ای بوده که وسط الارض سیستان است؟ یا آن هم طبق فلان زیج بوده است؟

شاگرد: قطعا مکه اثبات نمی شود. یعنی ارتباط بین نصف النهار دحو الارض....

استاد: ولی این هست که خالصه یک نصف النهار است.

شاگرد۲: با قرینه منفصل از خود روایات به دست می آوریم.

استاد: نه.

شاگرد: در این جا قرینه منفصل هم ندارد. چون باید بدانیم حساب اهل نجوم چه چیزی بوده است. مگر روایت فرموده اهل نجوم مکه را وسط می گذارند؟! گفتند درست این است که مکه وسط زمین است. اما این که حساب منجمین هم بر اساس این تنظیم شده تاریخ می خواهد.

استاد: یعنی حضرت می گویند شما قبول دارید. روی محاسبه شما وسط این است اما روایات نقلیه سمعیه، وسط قراردادن شما را تخطئه می کند.

شاگرد: بله، ولی این که «طالع الدنیا السرطان» مکه باشد، نیازمند دلیل است.

استاد: بله، این نکته درست است. یعنی اگر نصف النهار سیستان باشد یا مکه باشد، طالع الدنیا تفاوت می کند. چون طالع نصف النهار مکه، آن وقتی که سرطان بوده، طالع سیستان طلوع کرده بود. طالع سیستان مثلا اسد بوده است.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #2
ایجاد شده 15 ژانویه 2026 08:11:52 توسط ... .
به روزرسانی شده 15 ژانویه 2026 08:14:58 توسط ... .